

کارگران طرح آبیاری کارون بزرگ تجمع کردند



صبح دیروز گروهی از کارگران شرکتی بهره‌برداري از شبکه‌های آبیاری و زهکشی کارون بزرگ برای پیگیری وضعیت شغلی خود در محوطه داخلی شرکت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از این کارگران گفت: از سال ۹۵ حدود ۱۵۰ کارگر شرکتی طرح آبیاری کارون بزرگ خواهان تبدیل وضعیت و عقد قرارداد مستقیم با کارفرما بودند که از این تعداد حدوداً ۸۰ نفر از کارگران قبل از سال ۱۴۰۰ تبدیل وضعیت شدند اما وضعیت استخدامی حدود ۳۵ کارگر به رغم ارائه مدارک استخدامی به سازمان آب و برق خوزستان هنوز مشخص نیست. این کارگران به دفعات از مدیران شرکت درخواست کردند وضعیت شغلی آنها را همانند سایر همکاران از قراردادی به استخدامی تغییر دهد. وی با بیان اینکه در آخرین پیگیری‌ها که هفته گذشته با حضور تعدادی از نمایندگان کارگری در سازمان آب و برق خوزستان در اهواز برگزار شد باز هم مسئولان وعده دادند. گفت: سازمان آب و برق خوزستان باید تکلیف خود و کارگران شرکتی زیرمجموعه خود را مشخص کند تا این کارگران امنیت شغلی و معیشتی پیدا کنند. او با بیان اینکه مسئولان به مطالبات برحق کارگران، توجه نمی‌کنند، افزود: کارگران شرکتی بهره‌برداري از شبکه‌های آبیاری و زهکشی کارون بزرگ چندین سال در انتظار اجرای این طرح هستند بنابراین امیدواریم مسئولان سازمان آب و برق خوزستان پیگیری تبدیل وضعیت استخدامی کارگران شرکتی که فعالیت شبانه‌روزی دارند، باشند.

افزایش ۳۰۰ تخت بیمارستانی در مراکز درمانی تأمین اجتماعی



معاون درمان سازمان تأمین اجتماعی گفت: امسال ۳۰۰ تخت بیمارستانی با استانداردهای روز به تعداد تخت‌های بیمارستانی تأمین اجتماعی در کشور افزوده شد. به گزارش توسعه ایرانی، شهرام غفاری گفت: رسالت اصلی تأمین اجتماعی، ارائه خدمات درمانی کیفی و ایمن با هدف ارتقای سلامت بیمه‌شدگان و دیگر اقشار جامعه است. هم‌اکنون سازمان تأمین اجتماعی بیش از ۵۰ هزار تخت جمعیت کشور را تحت پوشش دارد. در حال حاضر بیش از ۴۰۰ هزار تخت درمانی و در سال جاری بیش از ۱۵۹ هزار میلیارد تومان برای درمان بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی کشور اختصاص یافته است. تخت‌های بیمارستانی تأمین اجتماعی هم افزایش یافته و امسال ۳۰۰ تخت بیمارستانی با استانداردهای روز به تعداد تخت‌های بیمارستانی موجود تأمین اجتماعی در کشور افزوده شد. وی اظهار داشت: در بخش درمان غیرمستقیم، در برخی موارد به علت عدم امکان خرید خدمات از مراکز دانشگاهی و نیز حضور کم‌رنگ سازمان‌های بیمه‌گر، پرداخت از جیب بیمه‌شدگان در مراجعه به بخش خصوصی افزایش یافته و این دغدغه جدی برای سازمان تأمین اجتماعی است. تکمیل چرخه خدمت‌رسانی مناسب به بیمه‌شدگان، نیاز به همکاری و همراهی مسئولان استانی و دانشگاه علوم پزشکی با مدیریت درمان تأمین اجتماعی استان دارد. قطعاً می‌توان با مشارکت موثر مسئولان درمانی و با توجه به منابع موجود و نگاه به آینده، زمینه ارتقای سطح ارائه خدمات درمانی به مردم فراهم کرد و در سایه خرد جمعی و شنیدن صدای جامعه هدف و ذی‌نفعان سازمانی است که می‌توان وظیفه خطیر خدمت‌رسانی مطلوب به بیماران را تحقق بخشید.

انتقاد نیروهای شرکت نفت خیز جنوب از محرومیت در ثبت اطلاعات برای ساماندهی



نیروهای پیمانکاری شرکت نفت خیز جنوب از عدم ثبت اطلاعات خود در سامانه سایر انتقاد کردند. تنی چند از این افراد در گفت‌وگو با ایلنا، از عدم ثبت اطلاعات خود در سامانه سایر (سامانه سازمان امور استخدامی برای درج اطلاعات نیروهای شرکتی از گان‌ها) خبر داده و گفتند: حدوداً ۳۰ نفر هستیم که برای شرکت‌های پیمانکاری طرف قرارداد شرکت نفت خیز در بخش ایمنی کار می‌کنیم. از آن‌ها ماه که سازمان امور استخدامی ثبت اطلاعات نیروهای ارکان ثالث و شرکتی را الزام کرده، کارفرما در درج اطلاعات ما خودداری کرده است. حتی نامه دوم سازمان امور استخدامی به توسعه منبع انسانی شرکت نفت نیز تأثیری نداشته است. آنها می‌گویند عدم درج اطلاعات مادر سامانه سایر به معنای محرومیت از هر نوع ساماندهی احتمالی ست. طبق این گزارش، سازمان امور استخدامی، نهادها و ارگان‌های دولتی و عمومی را مکلف کرده اطلاعات نیروهای خود را جمله نیروهای پیمانکاری را در سامانه سایر ثبت کنند. هدف از این اقدام، جمع‌آوری اطلاعات برای ساماندهی نیروها عنوان شده است.

رضا اسدآبادی

عرصه تعیین حداقل دستمزد در ایران به شکل سه‌جانبه همواره میدان منازعه روی ادعاها و بهانه‌های دو طرف کارفرمایی و دولت برای عدم اجرای بند ماده ۴۱ قانون کار و دور زدن منطق بازار کار بوده است. به این معنا که «حداقل مزد باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تأمین کند» به دلایل مختلفی نادیده گرفته شده است. یک روز به بهانه تورم، یک روز به بهانه پایین بودن درصد افزایش حقوق کارمندان دولت و یک روز مشکلات کارگاه‌های کوچک!

در میان همه بهانه‌های عدم اجرای قانون کار در زمینه افزایش حداقل دستمزد، همواره بیشترین سهم را ادعای ورشکستگی و بی‌پولی کارگاه‌های کوچک زیر ۲۰ و ۱۰ نفر کارکن داشته‌اند که در شرایطی که بنابر آمارهای مختلف حدود ۸۰ درصد کل بنگاه‌های فعال کشور را این دسته تشکیل می‌دهند. با این وجود، این کارگاه‌ها نیز این روزها با وجود اینکه در گذشته نه چندان دور (به دلیل پایین بودن سطح فنی) به آسانی نیروی کار استخدام می‌کردند و مشکلات شرکت‌های فنی متوسط و بزرگ را در زمینه تأمین نیروی انسانی نداشتند، به خاطر پایین بودن دستمزد دچار مشکل کمبود کارگر شدند.

تأمین نیروی انسانی و بهانه‌های بزرگ و متوسط بود، امروزه با وجود ادعای ناتوانی کارفرما در پرداخت دستمزد در واحدهای کوچک، در این واحدها نیز وجود دارد. با این تفاوت که در بنگاه‌های بزرگ و متوسط مشکل از طریق افزایش دستمزد به خاطر بهره‌وری کار و ثروت مجموعه میسر بوده اما کارفرمای واحدهای کوچک و خرد وجود آنکه می‌داند با حداقل دستمزد موجود کارگری برایش کار نمی‌کند، باز هم به خاطر محدودیت‌های مالی با افزایش دستمزد مخالفت می‌کند.

در چنین شرایطی برخی اقتصاددانان مانند حسین راغفر از پیشنهاد اعطای «پارانه مزد» به بنگاه‌های آسیب‌پذیر در افزایش مزد سخن می‌گویند و دولت را دعوت می‌کنند که از منابع عمومی به واحدهای کوچک تسهیلاتی ارائه دهند تا بتوانند در مزدهای مطابق با قانون کار عمل کرده و نیروی کار نیز انگیزه بازگشت به کار را داشته باشد، به ویژه اینکه موضوع نامکفی بودن پرداخت شده بنابر روایت برخی اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، در سال ۱۴۰۲ بیش از ۲۰ هزار نفر کسری نیروی کار در کارگاه‌های استان تهران داشته باشیم.



افقه: اجرای سیاست پارانه به تولید و مزد و تقویت بخش‌های حقیقی و مولد اقتصاد، در گرو گرفتن سهمی از نامولدها و پرسودهای انحصاری است و می‌توان کارگران را با چنین فرمول‌هایی از ناحیه افزایش مزد دوباره تقویت کرد

پارانه مزد از محل مالیات بر سود شرکت‌های بزرگ و مالیات گریز

«هر ترضی افقه» اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه چمران اهواز در باره موضوع چالش تعیین حداقل دستمزد کارگران اظهار کرد: در حوزه اقتصاد تعیین مزد، مورد هجوم افراد غیرمتخصص در سیاست‌گذاری این موضوع قرار داشتیم و دخالت غیر تخصصی در این موضوع چندین دهه است که از سوی دولت انجام می‌شود. امروز در این رابطه وضعیت چنان پیچیده شده که به هر طرف آن دست بزنند، یک طرف دیگر خراب می‌شود. وی افزود: دستمزد به هر حال باید به میزان آن که بتواند حداقل معاش منطقی کارگر را تأمین کند، افزایش یابد اما کارفرمایان کوچک این روزها در محدوده زیان هستند و حتی بنگاه‌های متوسط هم در محدوده مرزی سود و زیان حرکت می‌کنند. مشکلات بنگاه‌ها اما ربطی به کارگران ندارد و مسأله نارسایی‌های دولت در نسبت با کارفرمایان است.

افقه تصریح کرد: دولت به هر حال می‌تواند با پرداخت سوبسید به واحدهای کوچک یا معافیت‌های بیمه‌ای و مالیاتی آنان برای افزایش حداقل دستمزد مطابق با قانون کار خدمت‌رسانی کند اما مشکل این است که دولت نیز به خاطر مشکلات مختلف از جمله تحریم‌ها، مشکل دارد و بار جدید مالی بر دوش دولت از طریق کاهش درآمدهای مالیاتی یا معافیت‌ها و سوبسیدها، باعث افزوده شدن کسری بودجه دولت و تورم مضاعف خواهد شد.

دولت به تحول اساسی در پیش نیاز دارد

این اقتصاددان تأکید کرد: البته اگر دولت یک تحول اساسی در سیاست خود داشته باشد و از ابر و ثروتمندان نامولدی که مالیات نمی‌دهند یا بنگاه‌های عمومی غیردولتی که معاف از مالیات هستند یا فرار کنندگان مالیاتی مالیات بگیرد یا از سود شرکت‌های معظم انحصاری در صنایع بالادستی فولاد و پتروپالایشی‌ها مالیات‌ستانی کند، می‌تواند بدون چاپ پول، چنین پارانه‌ای به تولیدکننده خرد بدهد اما چنین عزم و اراده‌ای در شرایط موجود در درون دولتی‌ها و مجلسی‌ها دیده نمی‌شود. شرط اجرای سیاست پارانه به تولید و پارانه به مزد و تقویت بخش‌های حقیقی و مولد اقتصاد، گرفتن این سهم از نامولدها و پرسودهای انحصاری است. به این دلیل، باور دارم در همین شرایط هم فرمول‌هایی می‌توان ارائه داد که بخش زیادی از کارگران که در اثر سیاست‌های تورم‌زای دولت آسیب خوردند، از ناحیه افزایش مزد دوباره تقویت شوند.

این استاد دانشگاه خاطر نشان کرد: البته تردیدی در این نیست که در شرایط فعلی، رفع تحریم‌ها دست دولت را برای هر سیاست حمایتی باز خواهد کرد. حتی دولت سیزدهم نیز می‌تواند دست تحریم مسأله مهمی است و در راستای حذف آن تلاش می‌کند اما با وجود آن تحریم‌ها، تورم مواد غذایی در کشور به ۷۰ درصد رسید. اقتصاد ایران برخلاف برخی اقتصادهای کوچک دنیا ناخواسته با روابط خارجی عجین شده و موضوعاتی مثل ارتباطات مالی و بانکی به هر حال نقش غیر قابل انکاری برای توان مانور دولت و بنگاه‌های اقتصادی دارند.

بنگاه‌های کوچک در حال کوچک‌تر شدن هستند
رضی حاج‌آقامیری: عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران نیز در این ارتباط با اشاره به بی‌پایه بودن بسیاری از ادعاهای دولت به ویژه در

کارگر به بلاکش روزهای خوب و بد اقتصاد بدل شده است

ضعف بنگاه‌های کوچک؛ بهانه‌ای واهی برای سرکوب مزد



موضوع که «مشکلات دولت با صاحبان واحدها ربطی به کارگران ندارد»، می‌گوید: کارفرما و کارگر هر دو مشکلاتی دارند که با تدبیر دولت قابل حل است. کارفرمایانی هستند که توان پرداخت مزد متناسب با قانون کار را ندارند ولی کارگاه چه کوچک باشد چه بزرگ، باز هم منافع اصلی بنگاه به جیب کارفرما می‌رود. اگر شرایط اقتصادی بد باشد، کارفرما و کارگر ضرر می‌کنند اما اگر شرایط اقتصادی بهتر شود، این فقط کارفرماست که سود می‌کند و به خاطر مناسبات مزدی موجود، ضرر کارگر در دوران رکود و کسادی اقتصاد جبران نمی‌شود. به همین دلیل مسأله ما برای اجرای قانون کار و ماده ۴۱ قانون کار، نباید رونق یا رکود بازار و اقتصاد باشد.

وی افزود: برخی کالاها در ماه چند بار افزایش قیمت دارند اما قیمت و هزینه مزد برای کارفرما فقط یک بار در سال افزایش می‌یابد. این کارگر است که در هر شرایطی سرش بی‌کلاه می‌ماند. تورم سال ۱۴۰۳ زیاد بود و قطعاً به خاطر اینکه اثر افزایش نرخ ارز در پایان سال رخ داده، اثرش را در تورم سال ۱۴۰۴ می‌گذارد. بیات تصریح کرد: اکنون ارزش مزد کارگران حداقل بگیر از نصف هزینه‌های ماه هم کمتر یافته و تنها کفاف هزینه‌های دو هفته اول شان را می‌دهد. این یک وضعیت اضطراری است که قطعاً دولت می‌تواند برای حل آن ورود کرده و از کارگر و کارفرما با منابع خود حمایت کند. اکنون در شرایطی قرار داریم که اگر شورای عالی کار حداقل دستمزد را ۱۰ درصد افزایش دهد، تازه به ارزش حداقل دستمزد سال گذشته می‌رسیم. در واقع افزایشی کمتر از این مقدار، افزایش حداقل دستمزد نیست بلکه «کاهش کمتر حداقل دستمزد» محسوب می‌شود.

دبیر اجرایی خانه کارگر شرق تهران گفت: باید موضوع حمایت از کارگر هم ذیل حمایت از تولید مطرح شود اما در واقع بسیاری حمایت از تولید را حمایت از کارفرما تلقی می‌کنند. خود کارفرما نیز نتایج مثبت افزایش حداقل دستمزد و قدرت خرید را می‌داند و باید این امر اثبات شده را با صراحت بیشتری بیان کند و حل مشکلات خود را از دولت و نه کارگر طلب کند.

این دلیل کار خود را کاملاً تعطیل نمی‌کنند که تاکنون هزینه زیادی از زندگی خود برای پاساژی کار انجام داده‌اند و کورسوی از امید برای پاگرفتن کسب و کار خود در آینده نیز با تغییر شرایط دارند، و گر نه هر منطق اقتصادی سلیمی حکم بر این می‌دهد که بسیاری از کارگاه‌ها، بساط خود را جمع کنند!

این فعال اقتصادی در پایان تصریح کرد: وضعیت بیمه‌ای و مالیاتی نامناسب است و بارها شده افرادی از شرکت‌ها خارج شدند اما هنوز برایشان سوابق بیمه در شده و ما تا نماز اثبات آن جریمه دادیم. این در شرایطی است که سیاست‌های ارزی دولت نیز به ضرر تولیدکننده است. در اثر افزایش نرخ ارز بسیاری از کارگاه‌های کوچک زیان کاملی دیدند. این در وضعیتی رقم خورده که برخلاف ادعای دولت، صادر کنندگان نیز در اثر افزایش نرخ ارز غیر مستقیم آسیب دیدند چون هم ماشین‌الات و مواد اولیه شان گران شد و هم به خاطر وضعیت تحریمی، نمی‌توانند ارز حاصل از صادرات خود را دوباره به کشور برگردانند.

مشکلات دولت با کارفرمایان ربطی به کارگران ندارد

«فتح‌الله بیات» فعال کارگری و رئیس اتحادیه کارگران پیمانسی و قراردادی نیز با اشاره به این



آقامیری: ادعای می‌شود که بنگاه‌های اقتصادی کوچک و به ویژه کارگاه‌ها از حمایت‌های بیمه‌ای، بخشودگی مالیاتی و تأمین اجتماعی و تسهیلات مختلف برخوردار هستند اما اکثریت این ادعاها در عمل انجام نمی‌شود

وزارت صمت در حمایت از بنگاه‌های کوچک، اظهار کرد: در ایران ادعای می‌شود که بنگاه‌های اقتصادی کوچک و به ویژه کارگاه‌ها، حمایت‌های بیمه‌ای، بخشودگی مالیاتی و تأمین اجتماعی و تسهیلات مختلف برخوردار هستند اما اکثریت این ادعاها در عمل انجام نمی‌شود. هم‌اکنون وضعیت در بنگاه‌ها و کارگاه‌های کوچک به این شکل است که کارگاه‌های کوچک مانع از حال کوچک‌تر شدن هستند یعنی کارگاهی که مقیاس تولیدش در سطح ۳۰ کارگر بوده اسماًل به خاطر مشکلات مختلف به کارگاه زیر ۱۰ نفر تبدیل شده و به جای تبدیل شدن به واحد متوسط، خردتر شده است. کارگاه‌های ۱۰ نفره ما نیز به کارگاه‌های زیر ۵ نفر نیروی کار رسیده است.

وی افزود: ما در تعریف مقیاس تولید و کارگاه کوچک و خرد دچار مشکل هستیم. در کشورهای توسعه یافته شرکت با کمتر از ۱۰۰ نفر نیرو کوچک محسوب می‌شود و تنها شرکت با ۵۰۰ نفر نیرو بزرگ محسوب می‌شود اما در ایران کارگاه ۵۰ نفره متوسط محسوب شده و کارگاه ۱۰ تا ۲۰ نفره کوچک حساب می‌شود. بر سش این است که آیا اساساً می‌توان واحدی با ۵ یا ۱۰ نفر نیرو را «تولیدکننده» نامید؟ از نظر من این مقیاس در تراز تولیدکنندگی نیست. این در شرایطی است که دولت باید کمک می‌کرد تا با سیاست‌های درست، بنگاه‌های کوچک به مرور بزرگ شوند تا هم رشد رقم بخورد و هم مزد متناسب پرداخت شود. بنگاه زیر ۱۰ نفر اصلاً در اقتصاد معنا ندارد!

کسری بودجه دولت، وضعیت اشتغال را بحرانی‌تر می‌کند

حاج‌آقامیری تأکید کرد: دولت به دنبال شرایطی است که خودش بتواند بیشتر از مردم و تولیدکننده و بنگاه‌های بیشتر پول بگیرد. این موضوع هر روز اشتغال را دچار بحران می‌کند و این روند ادامه دارد. در فلسفه اخذ مالیات و بیمه، گفته می‌شود کارگر یا کارفرمایی که در آمد مثبت دارد، باید مالیات و عوارض بدهد. کارگری که زیر خط فقر مطلق حقوق می‌گیرد یا کارفرمایی که در بهترین حالت سربسر می‌شود یا اغلب در شرایط زیان است، چرا باید مالیات پرداخت کند؟ این در حالی است که بسیاری از شرکت‌های کوچک زیان‌ده به

شاخص فلاکت در ابتدای سال ۱۳۹۷ تا پاییز سال ۱۴۰۲



پایان اعتراضات کارگری در آب معدنی داماش

۳۲ نفر می‌رسد، شش ماه است که حقوق و مزایا دریافت نکرده‌اند. در عین حق بیمه آنها حدود شش ماه به تأخیر افتاده و به همین دلیل از صبح روز شنبه (۲۲ دی ماه) تا پایان روز پنجشنبه (۲۷ دی ماه) دست از کار کشیدند و تجمع صنفی برگزار کردند. یکی از کارگران با بیان اینکه پدرانمان برای ساخت کارخانه آب معدنی داماش در یکی از دورترین و محروم‌ترین مناطق شهرستان، زمین‌های کشاورزی و زراعی خود را واگذار کردند تا شاید سابه صنعت باعث خیر و برکت و اشتغال برای جوانان بومی در منطقه باشد، گفت: وجود این کارخانه تنها باعث رونق اشتغال جوانان بومی نشد بلکه اندک کارگرانی که هم که در این واحد مشغول کار بودند به مرور شغل خود را از دست داده و بیکار شده‌اند. او افزود: خواسته ما پرداخت به موقع مطالباتمان است و با اعتماد به وعده‌های داده شده، به اعتراضات صنفی خود خاتمه داده و همه موقتاً مشغول به کار شده‌ایم.

تحریم‌های ایران بوده است. شاخص فلاکت پس از این تاریخ به مرور کاهش پیدا کرد تا اینکه در تابستان سال ۱۳۹۶ به کمترین سطح خود در این مدت رسیده است. شاخص فلاکت در این تاریخ معادل ۹۹.۲ واحد بوده است.

پس از این تاریخ به مرور شاخص فلاکت افزایش پیدا کرده و در تابستان ۱۳۹۸ به قله دوم یعنی ۵۲.۲ واحد رسیده است. قله سوم شاخص فلاکت ۲ سال بعد در تابستان سال ۱۴۰۰ رخ داده که این شاخص به اوج خود یعنی ۵۵.۹ واحد رسیده است. در نهایت تقریباً پس از دو سال قله چهارم شاخص فلاکت در این مدت ایجاد شده است. چهارمین قله در بهار سال ۱۴۰۲ بوده است. شاخص فلاکت در این قله بیشترین سطح در ۱۲ سال اخیر بوده است. طبق آمارها شاخص فلاکت در بهار سال گذشته معادل ۵۶.۷ واحد بوده است. سپس از این قله به مرور شاخص فلاکت کاهش پیدا کرد طوری که این در آذر ماه امسال به کمترین سطح خود از بهار سال ۹۸ رسید (بدون در نظر گرفتن دو فصل ابتدایی سال ۹۹). شاخص فلاکت در این فصل به زیر ۴۰ واحد آمده و در سطح ۳۹.۷ واحد ایستاده است. انتظار می‌رود با وجود روند کاهش تورم سالانه در کشور، شاخص فلاکت نیز به کاهش خود ادامه دهد.

شاخص فلاکت کشور به سال ۱۳۹۸ رسید

بررسی هاشان می‌دهد شاخص فلاکت در پاییز امسال، برای ششمین فصل متوالی کاهش یافته و به کمترین سطح خود از بهار ۹۸ رسیده است. این کاهش بیشتر از ناحیه کاهش نرخ تورم در ایران است.

به گزارش اکوایران، بررسی آخرین آمار شاخص فلاکت در ایران نشان می‌دهد این شاخص در پاییز امسال به زیر ۴۰ واحد رسیده و کمترین سطح خود از بهار سال ۹۸ را تجربه کرده (بدون در نظر گرفتن دو فصل ابتدایی سال ۱۳۹۹). همچنین بر اساس این آمار، شاخص فلاکت در دو سال اخیر برای فصل متوالی کاهش پیدا کرده است.

روند نزولی ادامه‌دار در شاخص فلاکت

بررسی روند شاخص فلاکت در ایران از سال ۹۲ تاکنون نشان می‌دهد شاخص فلاکت در ایران ۴ قله اصلی را به ثبت رسانده است. اولین قله این شاخص در تابستان سال ۱۳۹۲ بوده که به سطح ۷۲.۶ واحد رسیده است. علت ایجاد این قله شروع

گزارش

گزارش

